

توزیع خسارت در حقوق مسئولیت مدنی در فرض تعدد اسباب

عبدالله خدابخشی*

دکترای حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۶/۱۹ - تاریخ تصویب: ۱۳۸۷/۹/۱۶)

چکیده:

در فرضی که چند عامل باعث تحقق خسارت می شوند؛ بحث از نحوه توزیع خسارت و سهم هر یک در پرداخت بخشی از آن، یکی از مباحث مهم در حقوق مسئولیت مدنی است؛ قانون در چند مورد، رویکردهایی متفاوت را اتخاذ کرده است. دکترین حقوقی، نظرات متفاوت ارائه کرده و تشتت آرا در رویه قضایی مشهود است. این مسأله در فقه نیز مورد اختلاف است و از آنجا که آثاری مهم در ارتباط با عامل زیان، زیان دیده و بیمه گران دارد، باید مورد بازبینی مجدد قرار گیرد. در نهایت نقش رأی شماره ۷۱۷-۱۳۹۰/۲/۶ هیأت عمومی دیوان عالی کشور در ایجاد وحدت رویه قضایی بررسی می شود. تحلیل فقهی- حقوقی نظرات مختلف در این خصوص و اعلام نظر نویسنده، هدف نوشته پیش رو است.

واژگان کلیدی:

خسارت، مسئولیت مدنی، درصد تقصیر، تساوی، فقه، رویه قضایی.

مقدمه

در بسیاری از حوادث، چند عامل زیانبار دخالت می‌کنند و در مجموع سبب خسارت می‌شوند. در این موارد، بحث توزیع خسارت به میان می‌آید؛ با این توضیح که اگر خسارت، مرهون ترکیب یا ترتب چند سبب باشد، نتیجه بدست آمده از آن، چگونه باید بر این اسباب توزیع شود؟ البته در این بحث، لازم نیست که تنها چند عامل انسانی وجود داشته باشد بلکه کافی است در کنار عوامل متعدد طبیعی، یک عامل انسانی نیز دخالت کند. بنابراین، اگر نتیجه متناسب به فعل زیانبار شخص و اهمال زیان‌دیده یا عوامل طبیعی یا حیوان باشد باز هم باید حدود مسئولیت مدنی هر عامل را بدست آورد. دخالت عامل انسانی و عوامل طبیعی نیز از قواعد عمومی مسئولیت پیروی می‌کند و بسته به اینکه در عرض عوامل باشد یا زیان را تشدید و تسریع کند، متفاوت خواهد بود که مجال توضیح آن در این مقال نیست (خدابخشی، ۱۳۸۶، صص ۷۹ الی ۱۰۷). این نوشته، درصدد بررسی و تحلیل نظرات مختلف در این باره است و برای رسیدن به هدف خود، در دو گفتار به بررسی این مسأله می‌پردازد. ابتدا از مفهوم توزیع خسارت، رویکرد قانونی آن و نظرات حقوقی و فقهی یاد می‌شود (گفتار اول) و به دنبال آن، با تحلیل حقوقی بحث و بررسی رویه قضایی (گفتار دوم) نتیجه بحث اعلام خواهد شد.

گفتار اول- مفهوم توزیع خسارت، رویکردهای قانونی و نظرات فقهی-

حقوقی

۱- مفهوم توزیع خسارت

تقسیم خسارت و توزیع آن بر هر یک از اسباب زیان بار، بحثی است که به موجب آن پس از دخالت عوامل مختلف با درجات تقصیر، تأثیر، نحوه کار و سایر اوصاف مختلف و متناسب شدن خسارت به همه آنها، سهم هر یک از زیان معین شود و به همان میزان، عهده‌دار ایفای تعهد باشند. برای مثال، اگر تخریب منزل ناشی از اهمال مالک و اقدام همسایه در تصرف نامتعارف باشد یا کارگری در حین کار به علت عدم رعایت قواعد عرفی یا آیین‌نامه‌های مقرر از طرف کارفرما و بی‌احتیاطی خود آسیب ببیند یا در حادثه رانندگی، نقص تولید اتومبیل، سرعت بالای راننده و عبور مصدوم از محل ممنوع، حادثه را به وجود آورد چگونه باید مسئولیت هر یک را تشخیص داد؟ در این موارد، سهم هر یک از اسباب در پرداخت خسارت، تابع قواعد مشخصی است که تقسیم زیان را عهده دارند و با نظرانی مانند تساوی در مسئولیت، درجه تقصیر، تأثیر کار و نظایر آن مشخص می‌شوند. نظام حقوقی ما نیز قواعدی در این خصوص دارد که در این نوشته به آنها اشاره می‌شود.

۲- رویکردهای قانون و دکترین حقوقی

۱-۲- بررسی قوانین و تحریر نظریات مرسوم

نحوه تقسیم مسئولیت و توزیع خسارت عهده عوامل متعددی که در تحقق آن دخالت دارند، در برخی از مقررات آمده که اهم آنها به شرح زیر است:

۱- ماده ۱۶۵ قانون دریایی (۱۳۴۳) بیان می‌دارد: «اگر دو یا چند کشتی مرتکب خطا شوند، مسئولیت هر یک از کشتی‌ها متناسب با اهمیت تقصیری است که از آن کشتی سرزده است. مع‌ذلک اگر تشخیص اهمیت تقصیر با شواهد و قرائن ممکن نباشد و یا تقصیر طرفین به نظر یکسان برسد، طرفین به نسبت متساوی مسئول خواهند بود...».

۲- در ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی از لزوم جبران خسارت ناشی از فعالیت کارگران و کارکنان اداری سخن به میان آمده است و در ماده ۱۴ می‌خوانیم: «در مورد ماده ۱۲ هرگاه چند نفر مجتمعاً زیانی وارد آورند متضامناً مسئول جبران خسارت وارده هستند. در این مورد میزان مسئولیت هر یک از آنان با توجه به نحوه مداخله هر یک از طرف دادگاه تعیین خواهد شد». همچنین در ماده ۱۴۲ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت در مورد شرکت‌های سهامی (۱۳۴۷) آمده است: «مدیران و مدیر عامل شرکت در مقابل شرکت و اشخاص ثالث نسبت به تخلف از مقررات قانونی یا اساسنامه شرکت و یا مصوبات مجمع عمومی بر حسب مورد منفرداً یا مشترکاً مسئول می‌باشند و دادگاه حدود مسئولیت هر یک را برای جبران خسارت تعیین خواهد کرد». در ماده ۲ قانون دسترسی آزاد به شبکه حمل و نقل ریلی (۱۳۸۴/۸/۶) نیز می‌خوانیم: «به منظور حفظ ایمنی تردد ناوگان ریلی، شرایط و دستورالعمل‌های فنی و ایمنی مرتبط با سیر و حرکت وسایل نقلیه ریلی بوسیله هیأت مدیره راه آهن تهیه و ابلاغ می‌شود و شرکت‌های بهره‌بردار خطوط مکلف به رعایت آنها هستند. راه آهن موظف به نظارت بر اجرای کامل ضوابط و مقررات و دستورالعمل‌های فنی و ایمنی حرکت خواهد بود... تبصره ۲- تعیین میزان مسئولیت‌های کیفری و مدنی سوانح ریلی ناشی از اجرای این قانون و سوانح ریلی ناشی از فعالیت‌های راه آهن بوسیله کمیسیون‌های جلوگیری از سوانح راه آهن مستقر در نواحی صورت می‌پذیرد. در صورت اعتراض اصحاب دعوی به نظریه کمیسیون‌های فوق موضوع به کمیسیون عالی رسیدگی به سوانح راه آهن با عضویت نماینده انجمن صنفی شرکت‌های حمل و نقل ریلی ارجاع و نظریه این کمیسیون غیر قابل اعتراض می‌باشد که در صدور آرای قضایی به عنوان نظر کارشناسی ملاک عمل قرار می‌گیرد. راه آهن و شرکت‌های موضوع این قانون حسب مورد در صورت بروز سوانح ریلی مطابق قانون مسئولیت مدنی مسئول جبران خسارت و پرداخت دیه به افراد سانحه دیده می‌باشند».

۳- ماده ۶ آیین‌نامه اجرایی قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب ۱۳۴۷/۱۲/۲۸ بیان می‌دارد: «... در صورت تصادف دو یا چند وسیله نقلیه، رانندگان آنها در برابر یکدیگر ثالث تلقی می‌گردند و خسارت وارده به آنها با توجه به درجه مسئولیت و تقصیری که مرتکب شده‌اند احتساب می‌شود».

۴- در ماده ۳۶۵ قانون مجازات اسلامی می‌خوانیم: «هر گاه چند نفر با هم سبب آسیب یا خسارتی شوند به طور تساوی عهده‌دار خسارت خواهند بود».

۵- ماده ۳۳۶ قانون مزبور نیز اشاره دارد: «هر گاه در اثر برخورد دو سواره، وسیله نقلیه آنها مانند اتومبیل خسارت ببیند، در صورتی که تصادم و برخورد به هر دو نسبت داده شود و هر دو مقصر باشند یا هیچ کدام مقصر نباشند، هر کدام نصف خسارت وسیله نقلیه دیگری را ضامن خواهد بود، خواه آن وسیله از یک نوع باشند یا نباشند و اگر یکی از آنها مقصر باشد فقط مقصر ضامن است». مواد ۳۳۴، ۳۳۵ و ۳۳۷ نیز مفید همین حکم هستند.^۱

دکترین حقوقی بر این اساس و با تحلیل بحث، چند راه حل را برگزیده است: الف- تقسیم بر اساس درجه تقصیر؛ با این توضیح که هر قدر تقصیر بیشتر باشد به همان نسبت خسارت بیشتری عهده مقصر مستقر می‌شود. برای مثال اگر محرز شود که زیان دیده ۴۰ درصد در تحقق خسارت دخالت دارد، به همان میزان، از خسارت او کاسته می‌شود؛ ب- نظریه «نحوه مداخله» که تمام اوضاع و احوال حاکم بر دخالت شخص در ایجاد خسارت را ارزیابی می‌کند. در این راه حل، درجه تقصیر، نقشی هم‌عرض با سایر عوامل دارد و دخالت دادرس برای ارزیابی میزان مداخله یا قوت سببیت، در هر دعوا، به آن چهره خاص می‌دهد. در این نظر، نقش دادرس بسیار حیاتی است زیرا معیار «نحوه مداخله» چیزی جز واگذاری تمام جوانب امر به قاضی نیست و خود، عناصری را برای تحلیل به دست نمی‌دهد؛ بنابراین به ویژه در نظام‌های دارای رویه قضایی مؤثر رسوخ دارد؛ ج- نظری که از «میزان تأثیر» فعل زیانبار هر شخص یاد می‌کند و بر اساس مؤثر یا تبعی- فرعی بودن عوامل، خسارت را توزیع می‌کند. این نظر با دومین رویکرد، قرابت نزدیک دارد و در هر دو، دخالت قضایی برای تأثیر یا نحوه مداخله قابل توجه

۱. ماده ۳۳۴: «هر گاه دو نفر با یکدیگر برخورد کنند و در اثر برخورد کشته شوند هر دو سوار باشند یا پیاده یا یکی سواره و دیگری پیاده باشد در صورت شبهه عمد نصف دیه هر کدام از مال دیگری پرداخت می‌شود و در صورت خطاء محض نصف دیه هر کدام بر عاقله دیگری است»؛ ماده ۳۳۵: «هر گاه دو نفر با یکدیگر برخورد کنند و در اثر برخورد یکی از آنها کشته شود در صورت شبهه عمد نصف دیه مقتول بر دیگری است و در صورت خطاء محض نصف دیه مقتول بر عاقله دیگری است»؛ ماده ۳۳۷: «هر گاه دو وسیله نقلیه در اثر برخورد با هم باعث کشته شدن سرنشینان گردند در صورت شبهه عمد راننده هر یک از دو وسیله نقلیه ضامن نصف دیه تمام سرنشینان خواهد بود و در صورت خطاء محض عاقله هر کدام عهده‌دار نصف دیه تمام سرنشینان می‌باشد و اگر برخورد یکی از آن دو شبهه عمد و دیگر خطاء محض باشد ضامن بر حسب مورد پرداخت خواهد شد».

است و هر دو نظر، درجه تقصیر را یکی از عناصر فرعی و هم‌عرض با سایر عناصر می‌داند اما این تفاوت را نیز دارند که معیار نحوه مداخله، نه تنها به قوت سببیت عامل اشاره می‌کند بلکه شرایط حاکم بر تحقق خسارت شامل زمان و مکان و موضوع خسارت و سایر عناصر را نیز در نظر دارد در حالی که معیار تأثیر فعل زیانبار، به نقطه شروع مسئولیت یا عمل ارتكابی توجه بیشتری می‌دارد؛ به عبارت دیگر، در معیار نحوه مداخله، ابتدا و انتهای مسئولیت در مراحل سه‌گانه آن یکسان است در حالی که در معیار تأثیر فعل زیانبار، ابتدای مسئولیت و مقتضی آن، نقشی برتر دارد. با وجود این در بحث ما، هر دو نظر در یک گروه بررسی می‌شوند؛ د- نظریه تساوی اسباب که اعتقاد دارد مسئولیت، ناشی از انتساب نتیجه به مجموع عوامل است و همه اسباب، بدون در نظر گرفتن درجات تأثیر یا تقصیر و قوت سببیت، باید خسارت را به صورت مساوی تحمل کنند. بنابراین با دخالت دو عامل، نیمی از کل خسارت عهده هر یک قرار می‌گیرد.

در این نوشته فرصت تبیین تمام این راه‌حل‌ها نیست و هدف ما تعیین رویکرد فعلی نظام حقوقی ایران است. بنابراین از یکسو به بررسی راهکار چهارم می‌پردازیم و دلایل فقهی و حقوقی آن را بیان می‌کنیم و از سوی دیگر سایر نظریات را با عنوان گروه مخالف نقد می‌نماییم. بنابراین دلایل ما به صورت حلی و تقضی است و شامل تحلیل راهکار چهارم و نقض گروه مخالف خواهد بود. در عین حال باید به مسأله‌ای دیگر نیز اشاره داشت و اعلام نمود که آیا نوع فعل زیانبار یا سبب خسارت‌زا در این میان، تأثیری در توزیع خسارت دارد یا خیر؟

۲-۲- بررسی نوع سبب

می‌توان تمام اسباب و افعال زیانبار را که در چرخه مسئولیت مدنی دخالت دارند، به دو گروه عوامل انسانی و غیر آن تقسیم کرد؛ اسباب، در صورتی در گروه اول قرار دارند که به طور مستقیم یا غیرمستقیم (از جهت مباشرت یا تسبیب) قابل انتساب به شخص باشند. حتی اعمال ارتكابی بوسیله شخص حقوقی نیز در این گروه قرار دارند. در مقابل، عواملی که ناشی از اراده مستقیم یا غیرمستقیم شخص نیست و مرهون زندگی طبیعی است در گروه دوم جای دارند مانند صدمات و خسارات ناشی از سیل، زلزله، حیوان، آلودگی محیط و نظایر آن. بدیهی است اگر آلودگی محیط یا خسارات وارد شده بر اثر رفتار حیوان، منتسب به شخص باشد، در گروه اول قرار می‌گیرد بنابراین مقصود ما مواردی است که نیروهای طبیعی، به طور مستقل از سببیت شخص، اقدام به خسارت می‌کنند. فقها مثال‌های بسیار از دخالت حیوان در تحقق خسارت بیان کرده‌اند که بخشی از آن، به دلیل انتساب فعل حیوان به یک عامل انسانی،

مسئولیت را متوجه شخص می‌کند (فاضل‌هندی، ۱۴۱۶، ج ۱۱، صص ۲۳ به بعد؛ موسوی خویی، ۱۳۸۶، ص ۳۰). یکی از آثار این تقسیم‌بندی آن است که اگر در زنجیره اسباب به صورت طولی، یک عامل انسانی وجود داشته باشد، مسئولیت را متوجه او می‌کند (نجیب حسینی، ۱۳۸۵، صص ۱۳۱ به بعد). از آثار دیگران می‌توان به توزیع مسئولیت میان عوامل انسانی و عوامل طبیعی یاد کرد. برخی صاحب نظران، در فرضی که عامل طبیعی همراه با عامل انسانی (به صورت عرضی)، خسارتی را به وجود می‌آورد، تمام خسارت را عهده عامل انسانی می‌دانند (کاتوزیان، ۱۳۷۸، صص ۴۹۱ الی ۴۹۳).

عوامل انسانی را می‌توان در یک تقسیم‌بندی دیگر نیز قرار داد؛ به این صورت که خسارت یا ناشی از فعل خود زیان‌دیده؛ و یا ناشی از فعل شخص دیگر است. شخص دیگر در این میان، هر شخصی غیر از خود زیان‌دیده است. خسارت همچنین می‌تواند از مشارکت زیان‌دیده و دیگری تحقق یابد. اگر قرار است خسارت را میان اسباب مزبور تقسیم نمود باید جایی نیز برای فعل زیان‌دیده (قاعده اقدام) باشد اما با مراجعه به سوابق تاریخی و همچنین نظریات معاصرین، در این زمینه، می‌توان دریافت که بین فعل ثالث و زیان‌دیده تفاوت قائل شده و در تقسیم مسئولیت و توزیع خسارت، راه‌حل هر یک از این اسباب را جداگانه بررسی کرده‌اند. نقد این رویکرد امری ضروری به نظر می‌رسد به همین جهت به طور مختصر آن را بیان می‌کنیم.

از نظر تاریخی، دخالت زیان‌دیده، او را از دریافت خسارت ممنوع می‌کرد؛ کامن‌لا قدیم و حقوق روم از این نظر پیروی می‌کردند. تحولات بعدی، این رویکرد را تعدیل کرد و اکنون از تقسیم خسارت و محرومیت جزئی زیان‌دیده، به نسبت خسارتی یاد می‌شود که خود او به وجود آورده است (همان، صص ۵۰۱ و ۵۰۲). به راستی چه تفاوتی میان فعل زیان‌دیده و غیر او وجود دارد که در حال حاضر نیز وقتی سخن از نحوه تقسیم خسارت بین آنها می‌شود، نویسندگان، این دو عامل را جداگانه بررسی می‌کنند؟ اگر هدف از تقسیم مسئولیت، آن است که هر کس متناسب با کار خود، مسئول باشد چه فرق دارد که خسارت منتسب به دو شخص ثالث باشند یا شخص دیگر، همراه با زیان‌دیده آن را ایجاد کنند؟ جالب است بدانیم که اگر در گذشته، دخالت زیان‌دیده او را از دریافت خسارت منع می‌نمود، در برخی مقررات فعلی، دخالت او اصولاً هیچ بخشی از خسارت را کاهش نمی‌دهد مگر آنکه قاضی دادگاه آن را تجویز کند در حالی که چنین امری، در هنگام تقسیم مسئولیت میان چند سبب ثالث مطرح

۱. این عده، تقسیم خسارت در فرض دخالت قوه قاهره را صحیح نمی‌دانند. این رویکرد، حداقل در بحث دیات با مبانی فقهی تطابق ندارد زیرا با فرض دخالت حیوان و یک عامل انسانی در صدمه بدنی، هیچ فقهی قائل به کل مسئولیت شخص نیست و نیمی از صدمه را، در فرض انتساب آن به هر دو عامل (حیوان و انسان)، از شخص قابل مطالبه نمی‌داند.

نشده است؟ برای مثال در ماده ۴ قانون مسئولیت مدنی (۱۳۳۹) می‌خوانیم: «دادگاه می‌تواند میزان خسارت را در موارد زیر تخفیف دهد: ۱-... ۲-... ۳-... ۴- وقتی که زیان‌دیده به نحوی از انحاء موجبات تسهیل ایجاد زیان را فراهم کرده یا به اضافه شدن آن کمک و یا وضعیت واردکننده زیان را تشدید کرده باشد». از لحن این ماده برمی‌آید که تقصیر زیان‌دیده اصولاً نقشی در کسر بخشی از خسارت ندارد و تنها اگر دادگاه مناسب دید، به این کار اقدام می‌کند و بدیهی است میزان آن نیز در اختیار دادگاه خواهد بود. در کتب نویسندگان نیز وقتی صحبت از تقسیم مسئولیت می‌شود، یک بار همین بحث را نسبت به دخالت زیان‌دیده و یک بار نیز نسبت به شخص ثالث، به طور مستقل بررسی می‌کنند و خواننده چنین تصور می‌کند که بین این دو سبب، از حیث توزیع خسارت، فرق است. آیا به راستی اینگونه است و تقسیم زیان در صورتی که زیان‌دیده و ثالث با هم دخالت کنند متفاوت از حالتی است که دو شخص ثالث دخالت دارند؟ اگر پاسخ منفی است، پس علت رویکرد نویسندگان در تفکیک این اسباب چیست؟ اگر پاسخ مثبت است آنگاه باید پرسید چه تفاوتی میان مشارکت زیان‌دیده و ثالث (جمع دو سبب) و مشارکت دو ثالث (جمع دو سبب) وجود دارد که توزیع زیان را متفاوت می‌کند؟

با بررسی مبانی مسئولیت مدنی و نظریات فقهی، نویسنده، تفاوتی را بین سببیت ناشی از اقدام زیان‌دیده و سببیت ناشی از اقدام ثالث مشاهده نمود زیرا در هر دو، اگر خسارت قابل انتساب باشد با جمع اسباب مواجه هستیم. یکی از اساتید نیز علی‌رغم تفکیک این دو سبب و طرح بحث توزیع خسارت برای هر یک، اشاره دارد که «در موردی که زیان‌دیده و عامل، به اشتراک باعث ورود ضرر شوند، در واقع صورت خاص از فرضی است که دو نفر ضرری را با هم ایجاد کرده‌اند» (همان، ص ۵۰۳). واقع مطلب نیز همین است زیرا اگر هدف، حفظ تناسب زیان با فعل هر شخص است، دخالت زیان‌دیده هم به عنوان یک سبب، از همان راه‌حل تبعیت می‌کند. جالب است که این نقد و نظر در حقوق تطبیقی هم وجود دارد و برغم تفکیک بحث زیان‌دیده و ثالث، هنگام تقسیم مسئولیت و توزیع خسارت، راه‌حل‌ها یکسان است (السنهوری، ترجمه دادمزی و دانش‌کجا، ۱۳۸۶، صص ۱۲۲ الی ۱۲۸). نکته‌ای دیگر که باید اشاره داشت عدم تمایز مفاهیم مباشرت و تسبیب، در بحث تقسیم مسئولیت است؛ این عناوین در مباحث فقهی استفاده بسیار دارند و صرف‌نظر از اینکه از نظر قواعد مسئولیت مدنی و ضمان قهری، نمی‌توان تفاوت ماهوی بین آنها گذاشت و برخی فقیهان نیز آثاری را بر این تمایز مترتب ندانسته‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۸ ه.ق، صص ۵۳۳، ۵۳۸ و ۵۳۹؛ المراغی الحسینی، ۱۴۱۷، ص ۴۳۵؛ کاشف الغطاء، ۱۹۷۶، ص ۱۴۱).^۱

اساساً از جهت توزیع خسارت، چه دخالت فرد به صورت مستقیم و مباشرت باشد و چه

۱. اساساً آنچه در روایات وجود دارد و قاعده‌ای از آن با عنوان «من اتلف مال غیره فهو ضامن» استخراج شده است، مفهوم تلف و اتلاف است؛ از این رو، اتلاف را به مباشری و تسبیبی تقسیم می‌کنند (همراه با دایره المعارف فقه اسلامی - اتلاف ۲،

از جهت توزیع خسارت، چه دخالت فرد به صورت مستقیم و مباشرت باشد و چه غیرمستقیم و از باب تسبیب جلوه کند، هر معیاری برای تقسیم مسئولیت در نظر گرفته شود، نسبت به هر دو عنوان، صادق است. همچنانکه در نظریات فقهی، تفاوتی از این حیث وجود ندارد. بنابراین، متون قانونی مانند ماده ۳۳۶ قانون مجازات اسلامی ناظر بر حالت تصادم و مباشرت نیست و تسبیب نیز در این حکم مشترک است. در هنگام بررسی راه‌حل‌های فقهی این نکته را خواهیم دید.

۳- توزیع خسارت در فقه

فقیهان این بحث را در موضوعات متعدد مطرح کرده‌اند که اهم آن را می‌توان در مباحث غصب، قصاص و دیات ملاحظه کرد. با دقت در نظریات فقهی، به نظر می‌رسد که سه عنوان و رویکرد، چه به صورت جزئی و چه احتمالی، مطرح شده است که می‌توان تقسیم مسئولیت را در هر یک، به طور مستقل، بررسی کرد؛ تقسیم مسئولیت بر اساس حصه و نسبت مالکانه، توزیع خسارت بر اساس قدر عمل و تقسیم به صورت مساوی.

۳-۱- حصص و نسبت مالکانه

در صورتی که دو یا چند شخص در ملکی مالکیت مشترک داشته باشند و یکی از مالکین، در ملک مشترک، اقدام به حفر چاه کند، چون به اعتبار مالکیت خود در جزء جزء مال، این اختیار را دارد، موضوع می‌تواند مشمول موردی باشد که شخص در ملک خود اقدام می‌کند و لذا مسئولیتی متوجه او نخواهد بود. از سوی دیگر اقدام او در حق دیگران نوعی تجاوز است و در حکم حفر چاه در ملک غیر خواهد بود؛ بنابراین موجب ضمان که تعدی عرفی است فراهم می‌باشد و کل مسئولیت ناشی از سقوط شخص، متوجه حفرکننده است. اما احتمال دیگری نیز مطرح می‌باشد به این صورت که به نسبت حصه مالکانه، مسئولیت نیست چون نوعی تصرف صحیح می‌باشد اما نسبت به حصه دیگر مالکان، مسئولیت وجود دارد. بنابراین، اگر دو مالک باشند، نصف خسارت ناشی از سقوط مصدوم، عهده حفرکننده چاه است و اگر

۱۳۸۶، صص ۱۸۴ الی ۲۱۲؛ البته برخی از فقها تفاوت مباشرت و تسبیب را متذکر شده‌اند. برای مثال صاحب جواهر پس از بیان این نکته که مباشرت و تسبیب، برای رسیدن به صدمه عرفی قتل یا عدوان یا مسئولیت است می‌گوید: «کان ذکر السبب و المباشرة هنا لقاعدة الاشتراك فی الثانی». به این معنی که شرکت در جرم و مسئولیت در مورد مباشرت مطرح می‌شود نه تسبیب (نجفی، جلد ۴۲، ۱۹۸۱م، ص ۱۹). نظر صاحب جواهر مورد نقد برخی از فقها قرار گرفته است. این عده، بعد از نقد تقسیم‌بندی مباشرت و تسبیب و فقدان اثر فقهی و حقوقی بر این بحث، در مورد نظر صاحب جواهر اعلام می‌کنند: «در اینجا به صاحب جواهر عرض می‌کنیم: این مسأله نمی‌تواند باعث جدایی این دو عنوان باشد، چون همان طور که در مباشرت شرکت است، در تسبیب هم شرکت متصور است» (حسینی خامنه ای، ۱۳۷۹).

مالکیت حافر ۳۰ در مقابل ۷۰ باشد ۳۰ درصد از کل خسارت را بر عهده ندارد (فاضل هندی، پیشین، ص ۲). همچنین فاضل هندی، صاحی کتاب «کشف اللثام» در موردی که از پنجره یا سقف منزل، چیزی سقوط می‌کند و سبب خسارت می‌شود چند احتمال را مطرح کرده است؛ قول به ضمان که در کتب مبسوط، نهاییه، مهذب و وسیله مطرح شده است و قول به عدم ضمان که در کتب سرائر، شرایع، ارشاد، تلخیص، مراسم و ظاهر کتاب مقنعه، آمده است. زیرا از یکسو منشأ خسارت در ملک فرد بوده است و لذا مقتضی ضمان موجود نیست و از سوی دیگر، سقوط از پنجره و سقف اگرچه منشأ مالکانه و مباح دارد اما به هر حال، سبب جنایت شده است (همان، ص ۲۶۸ و ۲۶۹؛ همچنین: شهید ثانی، ۱۴۱۳، ص ۳۷۲). احتمال سوم آن است که به نسبت آنچه در ملک فرد سقوط کرده و در خارج از ملک قرار گرفته است، مسئولیت عهده مالک باشد. مثلاً اگر چوبی سقوط کند و به دلیل بزرگ بودن، نیمی در ملک و نیمی در خارج از ملک افتاده باشد، نصف خسارت عهده فرد قرار گیرد (نجفی، جلد ۳، ۴۳، ۱۹۸۱م، ص ۱۲۰).

این معیار نمی‌تواند توجیهی مناسب برای توزیع خسارت باشد زیرا: اولاً، در فقه از این معیار به عنوان احتمال یاد شده است و نظر فقهی قاطع را نمی‌توان متوجه آن کرد؛ بنابراین در مقابل قاطعیت نظر مخالف، تاب مقاومت ندارد. نویسندگان حقوقی نیز از چنین معیاری در ضمان قهری یا قراردادی سخن نگفته‌اند. تنها آثاری که به جهت حصه یا نسبت مالکانه وجود دارد، تعهدات مالی است که عهده هر شریک قرار می‌گیرد. برای مثال اگر دیوار یا قنات مشترک نیازمند اصلاح و تعمیر بود به تناسب مالکیت باید مخارج را توزیع کرد اما اگر اقدام شریک در نصب وسیله‌ای روی دیوار باعث خسارت شود، چنین توزیعی مطرح نمی‌شود. ثانیاً، این معیار صرفنظر از احتمالی بودن آن، جامع نیست زیرا در موردی که هیچ شریکی وجود ندارد یا تمام اقدامات شخص، بدون مجوز و من غیر حق است، قابل اعمال نیست. ثالثاً، مسئولیت مدنی، ارتباطی با میزان مشارکت مالکانه یا حصص شرکا ندارد. ممکن است از اقدام نامتعارف شخص در قرار دادن وسیله‌ای در پشت بام آسیبی رسد که صرفنظر از مالکیت شخص و دخالت در ملک خود، مصداق تسبیب یا مباشرت باشد یا بر اساس اصل اعتماد و قاعده غرور، سبب اطمینان رهگذران و مصدوم شدن آنها شود. در این صورت تفکیک اقدام فرد به اینکه به اعتبار دخالت در حصه خود مجاز است و به اعتبار دیگر غیرمجاز، مبتنی بر فهم عرفی و ضوابط تعیین‌کننده تعدی نیست. به همین جهت، نظریات فقهی یا متوجه کل مسئولیت است یا در صورت توزیع خسارت، نیمی از آن را متوجه فرد می‌دانند و توجهی به حصه مالکانه نمی‌شود (حلی، ۱۴۰۵، ص ۵۸۵).

۳-۲- توزیع خسارت بر اساس قدر عمل

در میان نظریات فقهی، می‌توان معیار «قدر عمل» در توزیع خسارت را نیز به دست آورد. «اگر [دو شخص] شریک بودند در حفر [چاه] در غیر ملک، هر دو ضامن هستند با توزیع دیه یا قسمت به قدر عمل هر کدام» (بهجت، ۱۳۸۵، ص ۳۷۶). در کتاب «کشف اللثام» نیز در حالتی که کندن چاه و گود کردن آن با شرکت چند نفر باشد، یکی از دو وجه توزیع خسارت را «قدر عمل» دانسته‌اند (فاضل هندی، پیشین، ص ۲۸۰). در این خصوص می‌توان گفت مفهوم قدر عمل، مبهم است و ضوابطی را جهت روشن شدن خود به دست نمی‌دهد و برای اعمال آن باید از معیارهای دیگر کمک گرفت. آیا قدر عمل به معنی تساوی هر سبب یا معادل درجه تقصیر است؟ آیا قوت سبب و تأثیر آن، می‌تواند رنگ از رخسار آن بردارد؟ در این صورت آیا نمی‌توان گفت این معیار، خود، حاوی نکته‌ای نیست بلکه جامع و قدر مشترک سایر معیارها می‌باشد. اگر بخواهیم معیار «قدر عمل» را با آنچه حقوقدانان پیشنهاد کرده یا در قوانین آمده است مقایسه کنیم شاید بتوان گفت که معیارهای «نحوه مداخله» و «میزان تأثیر» نزدیک‌ترین اوصاف را با این معیار فقهی داشته باشند. اگر این گونه باشد، باید تمام عوامل دخیل در حادثه بررسی شود و بدیهی است شدت و حدت عدوان یا درجه تقصیر هم یکی از این معیارهای محسوب است. این معیار، در فقه بدون انتقاد نبوده است و علاوه بر ابهام خود، ایراداتی را دارد: اولاً، برخی از فقها به صراحت این معیار را مورد انتقاد قرار داده‌اند: «احتمال توزیع بر اساس قدر عملی که هر یک از اسباب به وجود آورده است، آنگونه که صاحب کشف اللثام احتمال داده، منافی قاعده اشتراک است. بنابراین، اگر دو نفر در قتل یک شخص، شریک باشند، حتی اگر جراحات وارد شده از ناحیه یکی از آنها بیشتر از دیگری باشد، باز هم قاعده اشتراک حاکم است» (مدنی کاشانی، ۱۴۰۸، ص ۱۴۰). به نظر می‌رسد مقصود وی از اشتراک، تساوی در توزیع دیه و خسارت باشد.^۱ ثانیاً، در برخی نظریات فقهی که از «قدر عمل» یا «قدر حصه» صحبت شده است، موضوع را از طریق قاعده تساوی در توزیع خسارت، حل و فصل کرده‌اند یا آن را بدیهی تلقی کرده و بلافاصله پس از طرح موضوع، حکم به تساوی مسئولیت داده‌اند. در کتاب «مبانی تکملة المنهاج» آمده است: «اگر عده‌ای در قتل شخص واحدی از میان خود به صورت خطا شرکت نمایند، برای مثال از طریق خراب کردن دیوار و سقوط بر روی یکی از آنها و مرگ او، دیه به «قدر حصه» مقتول ساقط می‌شود و باقی مانده دیه عهده عاقله دیگران

۱. ایشان در موردی که فردی چاهی را در ملک غیر، حفر و دیگری آن را عمیق‌تر می‌کند با طرح چند نظر از جمله اشتراک در ضمان، می‌گوید: «و علی القول بالاشتراک فلا فرق بین السابق واللاحق و لا فی مقدار الحفر بأن کان الحفر من احدهما عشرین ذرعاً و من الآخر عشرة اذرع مثلاً فهو نظیر من غرّز السکین فی بدن شخص ثم غرزه و ادخله شخص آخر فی البدن اکثر من الأول و حصل القتل به، فهما شریکان فی القتل و إن لم یکن التغریر الأول کافياً فی القتل» (همان، ص ۱۴۲).

است. پس اگر اشتراک بین دو نفر باشد نصف دیه کاهش می‌یابد زیرا این مقدار، نصیب مقتول است و نصف دیگر، عهده عاقله طرف است و اگر اشتراک بین سه نفر باشد ثلث دیه کاهش می‌یابد و دو ثلث دیگر عهده عاقله دیگر شریکان است و به همین ترتیب نصاب دیگر» (موسوی خوئی، پیشین، ص ۳۰۱).^۱ علامه حلی نیز از معیار «قدر جنایت» افراد در توزیع مسئولیت یاد می‌کند ولی اعتقاد به تساوی مسئولیت دارد و شدت و ضعف اسباب را معیار تفاوت دیه نمی‌داند (اسدی حلی، ۱۴۱۳ ه.ق، صص ۲۴۳ و ۲۴۴؛ داود حلی، ۱۴۱۱، ص ۲۲۳).

به این ترتیب، این معیار نمی‌تواند بازگوکننده حکم فقهی توزیع مسئولیت باشد؛ هر چند از این جهت که اختیار بررسی را به قاضی می‌دهد تا منصفانه‌ترین تناسب را به دست آورد، قابل توجه است. این در صورتی است که مستقل بودن این معیار را پذیرا باشیم در غیر این صورت، بازگشت آن به معیارهای دیگر، از جمله معیار تساوی مسئولیت خواهد بود.

۳-۳- توزیع خسارت بر اساس میزان تقصیر

برخی از فقهای معاصر در خصوص تقسیم خسارت به درجه تقصیر اسباب نظر دارند. برای مثال، در پاسخ به این سؤال که برای تعیین مسئولیت کارفرما و کارگر آیا درجه تأثیر باید ملاک عمل قرار گیرد یا درجه تقصیر؟ گفته می‌شود: «ظاهراً به نسبت تقصیر باید محاسبه شود چون تقصیر و بی‌مبالاتی، خود موجب ضمان است و در نتیجه کارفرما به نسبت ۶۰ درصد مقصر است و اگر این تقصیر را کارفرما نکرده بود خطر ۴۰ درصد بیشتر نبود. بنابراین می‌توان گفت که تأثیر بیشتر هم مربوط به کارفرما است که مانع را به وجود نیاورده است» (صانعی، ۱۳۸۴، ص ۲۸۱). در مورد حوادث رانندگی و اعلام نظر کارشناس مبنی بر درصدهای متفاوت تقصیر راننده و زیان‌دیده نیز به تقسیم زیان بر اساس درجه تقصیر نظر داده‌اند و می‌گویند: «چون باب ضمان است و اصل ضمان و ضامن نسبت به انسان و اعضای او عقلایی است، گرچه مقدار ضمان به عنوان دیه در برخی از موارد تعیین شده، بناء علی هذا، نسبت‌سنجی در ضمان‌ها مانعی ندارد» (همان، ص ۲۸۲).^۲

۱. ایشان در ادامه این حکم، افزوده است: «بلا خلاف ظاهر، و الوجه فی ذلک واضح و هو ان اللدیه فی امثال الموارد آی موارد الاشتراک فی القتل تقسطن علی فعل کل واحد منهم و علیه، فبطبیعة الحال یسقط منها بالمقدار المستند الی فعل المقتول فیبقى الباقی علی ذمه الباقین» (همان).

۲. ایشان در پاسخ به سوال دیگری راجع به تصادف دو وسیله نقلیه و نظر کارشناس مبنی بر درصدهای متفاوت آنها، اعلام داشته‌اند: «ضمان هر یک به میزان و نسبت سهمشان در ضرر و زیان است، یعنی اگر یک نفر ۶۰ درصد خسارت وارد نموده و دیگری ۴۰ درصد، هر کدام به همان نسبت ضامن می‌باشند» (همان، ص ۲۷۴)؛ این نظر نشان می‌دهد که آنچه در توزیع خسارت مهم است «میزان و نسبت سهم» می‌باشد ولی برای تعیین این سهم، باید درجه تقصیر را در نظر داشت.

۳-۴- تساوی مسئولیت

با بررسی منابع مختلف فقهی و توجه به نظریات تحلیلی فقها، می‌توان دریافت که توزیع خسارت بر اساس تساوی عددی اسباب، رویکرد نظر مشهور آنها می‌باشد و اگر ایرادات وارد بر معیارهای دیگر را نیز در نظر آوریم و توجه داشته باشیم که آن معیارها، به طور جزئی مطرح نشده‌اند بلکه ظنی و احتمالی هستند، ارزش معیار تساوی بهتر درک می‌شود. برای روشن شدن این ادعا، بهتر است به برخی از منابع فقهی اشاره شود. فخر المحققین پس از نقل کلام علامه در مورد دخالت سه نفر در خراب کردن دیوار و کشته شدن یکی از آنها و قول اقرب که یک‌سوم دیه مقتول را عهده هر کدام از دو نفر دیگر می‌داند، می‌گوید: «و وجه القرب انه تلف بفعله و بفعل الاخرین فیسقط ما قابل فعله و الا لزم ان یضمن الشریک فی الجنایة جنایة شریکه و هو محال و هو الا قوی عندی» (فخر المحققین، ۱۳۸۷، ص ۲۷۵. همچنین: سبزواری، ۱۴۱۳، ص ۱۴۶). صاحب کتاب «مفتاح الکرامة» در موردی که دو شخص، طنابی را می‌کشند و یکی از آنها، در اثر پاره شدن طناب، سقوط کرده و کشته می‌شود حکم به پرداخت نیمی از دیه می‌دهد (مشروط بر اینکه مقتول، غاصب طناب نباشد که در این صورت نه تنها مسئولیتی نیست بلکه ضامن خسارات مالک هم خواهد بود) و می‌گوید: «وضعیت کسانی که چیزی را می‌کشند مانند وضعیت کسانی است که تصادم می‌کنند زیرا خسارت و تلف به دلیل جنایت هر دو است و بر عهده هر یک از آنها یا عاقله آنها، نصف دیه طرف خواهد بود... و هیچ فرقی بین آنها از حیث تساوی در محل ایستادن [یکی کنار پرتگاه و دیگری در جای دیگر] و بین قوت و ضعف آنها همان طور که در مورد تصادم‌کنندگان گفته شد وجود ندارد» (حسینی عاملی، ۱۴۱۹ ه. ق، ص ۳۴۰). در کتاب «کشف اللثام» نیز هر چند بیان شده است که احتمال توزیع خسارت بر اساس «قدر عمل» وجود دارد اما در مجموع به تساوی مسئولیت قائل شده‌اند (فاضل هندی، پیشین، صص ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۸۶ و ۲۷۷).^۱

صاحب جواهر در موردی که یک سنگ، بوسیله دو نفر و سنگ دیگر بوسیله یک فرد در راه قرار می‌گیرد و شخصی بر اثر برخورد با هر دو سنگ سقوط کند، دو احتمال طرح می‌کند؛ احتمال اول آن است که هر کدام یک‌سوم خسارت را بدهند و تساوی مسئولیت حاکم شود و احتمال دوم آن است که نصف خسارت عهده کسی است که یک سنگ گذاشته و نصف دیگر علی‌السویه عهده آن دو نفری است که مشترکاً سنگ را نهاده‌اند. نظر ایشان در نهایت، تساوی در مسئولیت است و نشان می‌دهد تساوی عددی در اسباب، معیار مورد پذیرش ایشان می‌باشد

۱. برای مثال در خصوص مسئولیت دو نفر که حیوانی را سوار شده‌اند و حیوان، سبب خساراتی می‌شود گفته است: «و لو رکبها اثنان تساویا فی ضمان ما یجنبه بیدیهما و راسها لعموم النصوص و الفتاوی لهما... و... الاصحاب قاطعون به» (همان، ص ۲۷۸؛ همچنین: شهید ثانی، ۱۴۱۰، ص ۱۴۱).

(نجفی، پیشین، ص ۹۹؛ همچنین: فاضل هندی، پیشین، ص ۲۶۳). در خصوص تصادم دو کشتی یا حیوان و راکبین آن یا دو شخص نیز نظر فقها، صرفنظر از شدت و ضعف هر یک از اسباب، مبتنی بر تساوی در مسئولیت است (شهید ثانی، زین الدین، ۱۴۱۳ ه.ق، صص ۳۳۹ الی ۳۴۱؛ قاضی ابن براج، ۱۴۱۱، ص ۲۱۷؛ اسدی حلی، پیشین، صص ۲۶۲ و ۲۶۳؛ همو، ۱۴۱۳، صص ۶۶۲ و ۶۶۳؛ اسدی حلی (فخر المحققین)، محمد، ۱۳۸۷ ه.ق، صص ۶۷۳ و ۶۷۴؛ فاضل هندی، پیشین، جلد ۷، ص ۳۹۲؛ نجفی، پیشین، صص ۶۳ الی ۶۸).

مسأله زبیه یعنی حفره‌ای که برای شکار شیر حفر می‌کنند نیز تقریباً در تمام کتب فقه استدلالی مطرح شده است. در این مورد، شخصی در حفره می‌افتد و دیگری را می‌گیرد و این شخص نیز نفر سوم و به همین ترتیب افرادی دیگر را گرفته و می‌کشاند و شیر نیز همه را از بین می‌برد. این مسأله مبتنی بر قضاوت امام علی علیه‌السلام است که از طریق دو روایت، با تفاوتی که در مدلول آنها وجود دارد، نقل شده است (شهید ثانی، پیشین، ص ۳۸۸). هر چند در مورد میزان خسارت و دیه‌ای که نفر اول، دوم و سوم نسبت به افراد بعد از خود و نسبت به نفر چهارم دارند بر اساس دو روایت، اختلاف است (همان، ص ۳۸۹؛ مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳، ص ۲۷۵) اما در تمام احتمالات، قاعده تساوی حاکم است. قریب به اتفاق فقهای معاصر نیز در تمام حالات دیگر به تساوی مسئولیت قائل هستند.^۱

گفتار دوم- تحلیل حقوقی بحث و بررسی رویه قضایی

۱- تحلیل حقوقی بحث

خصوصیت اجتماعی حقوق ایجاب می‌کند که قواعد اعتباری و غیرملموس آن تنها در اعمال خارجی اعمال شود. تمام بخشهای حقوقی این ویژگی را دارند؛ مسئولیت کیفری و مسئولیت مدنی (ضمان قهری) نیز تابع این امر خواهند بود. دقت در این مسئولیتها نشان می‌دهد که نوع اول، قصد محور است و نوع دوم، نتیجه محور، ولی اگر «نتیجه» را مقابل «قصد» قرار می‌دهیم به معنای عدم نیاز به عمل خارجی و ظهور قصد در عمل بیرونی نیست و حقوق کیفری قصد محور نیز باید از پرتو افعال و ترک افعال به بررسی مسئولیت پردازد. با

۱. در پاسخ به این سوال که اگر علت حادثه به سبب بی‌احتیاطی چند نفر با درصدهای تقصیر متفاوت باشد نحوه توزیع خسارت بین آنها چگونه است، گفته شده است: «۱- به استناد درصد تقصیر نمی‌توان تقسیم نمود و در موارد شک، مصالحه شود (محمدتقی بهجت)؛ ۲- باید به صورت مساوی تقسیم شود که به صراحت از عدم توجه به تقصیر سخن گفته‌اند سیستانی، صافی گلپایگانی و فاضل لنکرانی؛ ۳- اگر قاضی واجد شرایط نسبت به میزان تأثیر و سببیت هر کدام، علم پیدا کرد درصد محکومیت و ضمان به همان نسبت متفاوت می‌شود و الا ضمان بالسویه است.» موسوی اردبیلی. (مجموعه نظریات مشورتی فقهی در امور کیفری، ۱۳۸۵، صص ۲۷۹ و ۲۸۰؛ در کتاب «مستند تحریر الوسیله» نیز آمده است: «لو اشتراک اثنان او اکثر فی وضع حجر مثلاً فاضمان علی الجميع و الظاهر انه بالسویه و ان اختلف قواهم... لاستناد المسبب الی الجميع و مقتضی القاعده هو الاشتراک فی الضمان بالسویه و اختلاف قواهم لا یوجب الاختلاف فی الضمان مع استناد التعدی و التفریط الی جمع» (مطهری، ۱۴۰۱، ص ۱۱۴).

توجه به تفاوت اساسی که بین حقوق کیفری و مدنی وجود دارد، مفهوم رفتار نابخشودنی، غیرقانونی و نظایر این عناوین که می‌توانند در مفهوم کلی تقصیر قرار گیرند، نیز در مسئولیت مدنی و کیفری، متفاوت است و سنجش آن با توجه به مفهوم قصد در مقابل نتیجه صورت می‌گیرد. معیار مسئولیت در حقوق مدنی گسترده‌تر از مسئولیت کیفری است؛ زیرا صرف نظر از عقیده، ذهن و گمان عامل زیان، بر اساس معیارهای دیگر نیز می‌تواند مبنایی برای مسئولیت به دست آورد، در حالی که مسئولیت کیفری با اعتقاد و رفتار درونی سنجدیده می‌شود و دایره ای مضیق‌تر دارد. معیار درونی در مسئولیت کیفری، حالت ثبوتی دارد و اگر هم به دلایلی برای احراز این مسئولیت، از معیارهای خارجی کمک گرفته می‌شود، اثبات آن مورد نظر است نه ثبوت مسئولیت، در حالی که در مسئولیت مدنی، وضعیت‌های خارجی و عینی، در واقع چهره ثبوتی مسئولیت است و به خودی خود قابل توجه و اثر می‌باشند (تیت، ۱۳۸۴، صص ۱۹۹ و ۲۱۱ الی ۲۱۴؛ کلارکسون، ترجمه میرمحمد صادقی، ۱۳۷۴، صص ۸۴ الی ۹۰؛ فلچر، ترجمه سیدزاده‌ثانی، ۱۳۸۴، صص ۲۰۵ الی ۲۰۸). اثر این تفاوت اساسی را می‌توان در فرایند رسیدگی مشاهده کرد که در آن، دادرسی ممکن است با یک اظهار غیرمرتبط با موضوع نیز به ثبوت مسئولیت کیفری یا نفی آن پی برد و شخص را براءت دهد یا محکوم کند^۱ در حالی که مسئولیت مدنی این ویژگی را ندارد.

رویکرد ذهنی و درون‌گرا در مسئولیت کیفری، سبب می‌شود که فعالیت ذهنی انسان به عنوان پایگاه مسئولیت کیفری، درجات متفاوت داشته باشد و واکنشی متفاوت را از سوی حقوق کیفری بطلبد. اما ضمانت اجرای خسارت وارد شده، جبران آن است و در این میان نمی‌توان درجه‌بندی و شدت و ضعفی را تصور کرد. اعمال مجازات، پاسخی است به فعالیت ذهنی شخص و از همین جا است که «اصل فردی کردن مجازات» استخراج می‌شود و بر خلاف جبران‌های مدنی، واکنش کیفری را برحسب اوضاع و احوال تجویز می‌کند. درجات تقصیر در هنگام بررسی مسئولیت کیفری از عوامل مهم است و بر اساس آن، میزان مسئولیت و مجازات تعیین می‌شود، درحالی که مسئولیت مدنی، تابع نتیجه است و می‌داند که ممکن است از تقصیر کوچک، خسارت بسیاری به بار آید یا تقصیر زیاد، سبب خسارتی اندک شود.^۲

۱. برای مثال در جریان صدور رأی اصراری شماره ۲۰ مورخه ۷۶/۱۱/۲۸، هیات عمومی دیوان عالی کشور بر اساس بخشی از اظهارات متهم که گفته بود «من بر اساس وجدان، محمود... را کشتم و هر کس دیگری هم به جای من بود این کار را می‌کرد» حکم به ثبوت اعتقاد وی مبنی بر تلقی مهدور الدم بودن مقتول دادند (مذاکرات و آراء هیات عمومی دیوان عالی کشور، ۱۳۷۸، صص ۵۷۹).

۲. «به نظر می‌رسد که در حقوق ایران تقسیم مسئولیت بر اساس میزان تأثیر هر یک از اسباب صورت پذیرد زیرا... اولاً مسئولیت تضامنی با مبانی حقوق ما سازگاری ندارد ثانیاً راه‌حلی را که ماده ۳۶۵ قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی کرده است ناظر به موردی است که دخالت اسباب به نحو مساوی باشد. این نظریه به سهولت از مثالهای فقهی و معیارهایی که فقیهان اسلام در آنها به کار برده‌اند استنباط می‌شود... اگر این تحلیل پذیرفته شود، تقصیر عامل مهمی در تعیین میزان تأثیر هر یک از اسباب خواهد بود» (قاسم زاده، ۱۳۷۸، صص ۳۷۰ و ۳۷۱). در مقابل، استاد دیگری معتقد است که: «به نظر می‌رسد که با

۲- توزیع خسارت در رویه قضایی

تقسیم خسارت و توزیع زیان در رویه محاکم از قاعده ای یکسان تبعیت نمی‌کند. برخی دادگاهها، معیار درجات تقصیر و برخی تساوی خسارت را اعمال می‌کنند ولی معیار قدر عمل، نحوه مداخله و تأثیر عمل، در احکام قضایی دیده نشده است. آرای بسیار را می‌توان از میان رویه قضایی استخراج کرد که به درجات تقصیر و تساوی مسئولیت اشاره داشته‌اند. این آرا دو دسته هستند؛ برخی در همه موارد لازم الاتباع هستند و برخی نیز آرای معمولی و تنها در همان رابطه مؤثر هستند.

۲-۱- آرای غیر لازم الاتباع

۲-۱-۱- تساوی مسئولیت در دادنامه شماره ۸۹۰۹۹۷۵۱۱۳۰۰۹۷۰-۸۹/۸/۱۱

شعبه ۳۵ دادگاه عمومی - حقوقی مشهد در این دادنامه بیان کرده است: «... نظر به اینکه حسب اظهار نظر کارشناسی هیات ۵ نفره خوانده و خواهان هر کدام به عنوان یکی از عوامل حادثه رانندگی محسوب می‌شوند و حادثه به هر دو نفر منتسب است و بنابراین از نظر تحلیل حقوقی، عامل زیان به همراه اقدام زیان دیده، از اسباب حادثه محسوب می‌شوند که اقتضاء دارد هر کدام بخشی از خسارت را عهده دار شوند و نظر به اینکه براساس مبانی مسئولیت مدنی، عقیده دکترین حقوقی معتبر و رویکردهای فقهی و آخرین تحولات قانونی که بشرح مواد ۳۳۶ و ۳۶۵ قانون مجازات اسلامی ذکر شده است اگر حادثه‌ای منتسب به فعل چند شخص باشد صرفنظر از درصدهای دخالت و تقصیر، باید خسارت را به صورت مساوی بین آنها توزیع کرد...» (خدابخشی، ۱۳۹۰، صص ۲۸۶ الی ۲۸۸).

۲-۱-۲- درصد تقصیر در دادنامه شماره ۸۶۰۹۹۷۵۱۱۵۶۰۱۹۰۹-۸۶/۱۲/۶ مورخه

شعبه ۱۰۱ دادگاه عمومی جزایی مشهد در این دادنامه مقرر می‌دارد: «... به نظر این دادگاه تقسیم مسئولیت بر اساس درجه تقصیر خواهد بود نه تساوی مسئولیت و مورد منصرف از ماده ۳۶۵ قانون مجازات اسلامی (تساوی مسئولیت) است چون این ماده ناظر به موردی است که چند نفر با هم سبب واحدی را به وجود آورند ولی هرگاه سببها متعدد و مربوط به دو یا چند

حکم ماده ۳۶۵ قانون مجازات اسلامی دیگر بحثی درباره شیوه تقسیم خسارت باقی نماند (کاتوزیان، پیشین، ص ۵۰۶). «دادگاههای فرانسه، مسئولیت را براساس درجه تقصیر تقسیم می‌کنند ولی بر این نظر ایراد شده است که مسئولیت مدنی مجازات تقصیر نیست تا به تناسب آن کم یا زیاد شود» (همان، ص ۵۰۵).

نفر باشند و نتوان جنایت را منحصرأ نسبت به یکی از آنان دانست هر یک به نسبتی که تقصیر داشته‌اند مسئول خواهند بود...»^۱.

۲-۲- رای وحدت رویه شماره ۷۱۷-۱۳۹۰/۲/۶

بعد از چند دهه که رویه قضایی، تشتت آرا و نظرات مختلف را تجربه کرد؛ این موضوع بالاخره در هیأت عمومی دیوان عالی کشور مطرح و منتهی به رأی وحدت رویه شماره ۷۱۸ - ۱۳۹۰/۲/۱۳ شد و هرچند موضوع رأی در خصوص تصادف رانندگی است اما اساس تصمیم دیوان عالی کشور در همه موارد اعمال می‌شود: «برحسب مستفاد از ماده ۳۳۷ قانون مجازات اسلامی هرگاه برخورد دو یا چند وسیله نقلیه منتهی به قتل سرنشین یا سرنشینان آنها شود، مسئولیت هر یک از رانندگان در صورت تقصیر - به هر میزان که باشد - به نحو تساوی خواهد بود...». با اینکه این رأی، تأکیدی دیگر بر قوانین موجود و نیز نظریه مشهور فقها است؛ اما دیده شده که رویه قضایی بازهم در برخی موارد، به ویژه حوادث کار، از همان نظریه درصد تقصیر استفاده می‌کند که قابل ایراد است. نویسنده امید دارد حداقل در یکی از این آراء، استدلالی از دادگاه مشاهده کند تا معلوم شود به چه استنادی درصد تقصیر را محور تقسیم خسارت قرار داده‌اند؛ نویسنده براساس تجربه خود، علت را در این می‌داند که کارشناس، درصد بندی می‌کند و دادگاه نیز بر همان اساس تصمیم می‌گیرد و حال آنکه این موضوع، اساساً ارتباطی به کارشناسی ندارد و امری کاملاً حقوقی و قضایی است و دادگاه نباید تابع نظر کارشناس باشد.

نتیجه

به لحاظ تحلیلی و با توجه به اهداف متفاوت مسئولیت مدنی و جزایی، تقسیم خسارت در مورد زیان ناشی از چند سبب، باید به صورت مساوی باشد و معیار مربوط به درصد تقصیر، با قواعد مسئولیت مدنی، سازگار نیست؛ اما با اینکه در موادی از قانون مجازات اسلامی، از تساوی در پرداخت خسارت یاد شده و رأی وحدت قضایی شماره ۷۱۷-۱۳۹۰/۲/۶ نیز این موضوع را روشن کرده است و هیچ خصوصیتی در مورد حادثه رانندگی نیست، بازهم رویه قضایی به صراط مستقیم برنگشته و دیده یا شنیده شده که هنوز معیار درجات تقصیر را در

۱. تفاوت بین موردی که سبب واحد به دلیل فعل چند نفر است و موردی که اسباب مختلف توسط چند نفر به وجود می‌آیند، آنگونه که در استدلال دادگاه منعکس است، مبتنی بر استدلال حقوقی و فقهی نیست و هیچ کس از این حیث، تقسیم مسئولیت را تحلیل نکرده است و جای آن داشت که در رأی دادگاه، قواعدی مستقیم که بر این بحث حاکم است، مورد بررسی باشند. به همین دلیل خواننده از خود می‌پرسد چرا بین این دو حالت فرق است و چرا دادگاه رأی خود را با اصول حقوقی و فقهی و دلایل اقماعی، مستند و مدلل نکرد.

برخی موارد، اعمال می‌کند. نظر مشهور فقهی بر تساوی خسارت است و با توجه به تبصره ۱ ماده واحده قانون اصلاح ماده (۱۸) اصلاحی قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب ۱۳۸۵/۱۰/۲۴ که مقرر می‌دارد: «مراد از خلاف بین شرع، مغایرت رأی صادره با مسلمات فقه است و در موارد اختلاف نظر بین فقها ملاک عمل نظر ولی فقیه و یا مشهور فقها خواهد بود»، باید بر این بود که آرای صادره براساس درصد تقصیر، خلاف شرع می‌باشند. با این بیان و در پرتو تحولات قانونی، ماده ۱۶۵ قانون دریایی با توجه عموم مواد ۳۳۷ و ۳۶۵ قانون مجازات اسلامی و نظر فقها در خصوص برخورد دو کشتی و تساوی مسئولیت اشخاصی که در ورود خسارت مسئول هستند، نسخ شده است. عموم مواد مورد اشاره، مانع از تخصیص آنها به وسیله ماده ۱۶۵ می‌شود زیرا نه تنها قانونگذار در صدد اعلام قاعده عمومی در همه موارد بوده است بلکه حاکمیت رویکرد فقهی، خلاف شرع بودن حکم ماده ۱۶۵ قانون دریایی را نشان می‌دهد و حداقل برای تفسیر آن، به جای تخصیص بدون علت، جانب نسخ موجه را باید تقویت کرد.

اشاره به این نکته نیز مفید است که لایحه قانون مجازات اسلامی در مواد مختلفی مانند ۵۳۰، ۵۳۱، برای توزیع خسارت، از معیار «میزان تأثیر طرفین» سخن می‌گوید که قابل انطباق با درصد تقصیر نمی‌باشد و باید در فرصت مناسب به بررسی آن پرداخت.

منابع و مأخذ

الف - فارسی

۱. آل کاشف الغطاء، محمدحسین، (۱۹۷۶)، *تحریر المجله*، جلد دوم، نجف: المكتبة المرتضوية و مطبعتها الحیدریه.
۲. احمد بن محمد (مقدس اردبیلی)، (۱۴۰۳ ه.ق.)، *مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان*، جلد ۱۴، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
۳. اسدی حلی (علامه)، حسن، (بی تا)، *تحریر الاحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیه*، جلد دوم، نرم افزار جامع فقه اهل بیت.
۴. اسدی حلی (علامه)، حسن، (۱۴۱۳ ه.ق.)، *قواعد الاحکام فی معرفة الحلال و الحرام*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، جلد ۳، چاپ اول.
۵. اسدی حلی (فخر المحققین)، محمد، (۱۳۸۷ ه.ق.)، *ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد*، جلد ۴، قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ اول.
۶. اصفهانی (فاضل هندی)، محمد، (۱۴۱۶ ه.ق.)، *کشف اللثام و الایهام عن قواعد الاحکام*، جلد های ۷ و ۱۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
۷. السنهوری، عبدالرزاق احمد، (۱۳۸۶)، *الوسیط فی شرح القانون المدني الجدید*، ترجمه سیدمهدی دادمززی و محمدحسین دانش‌کیا با عنوان: *دوره حقوق تعهدات*، جلد دوم، *منابع تعهد: ضمان قهری - مسئولیت مدنی*، قم: انتشارات دانشگاه قم، چاپ اول.
۸. بهجت، محمدتقی، (۱۳۸۵)، *جامع المسائل*، جلد ۵، قم: دفتر آیت‌العلی بهجت، چاپ اول.
۹. تیبیت، مارک، (۱۳۸۴)، *فلسفه حقوق*، ترجمه حسن رضایی خاوری، مشهد: انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، چاپ اول.

۱۰. حسینی عاملی، جواد (۱۴۱۹ ه. ق)، **مفتاح الكرامة فی شرح قواعد العلّامة**، جلد ۱۰، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ اول.
۱۱. حلی، حسن، (۱۴۱۱ ه. ق)، **الجوهرة فی نظم التبصرة**، تهران: مؤسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.
۱۲. حلی، یحیی، (۱۴۰۵ ه. ق)، **الجامع للشرائع**، جلد ۶، قم: مؤسسه سیدالشهدا العلمیه، چاپ اول.
۱۳. خدابخشی، عبدالله، (۱۳۸۶)، **تسریع در صدمه و فوت و مسئولیت ناشی از آن**، مشهد: مجله کانون وکلای دادگستری خراسان، شماره ۳، سال سوم.
۱۴. خدابخشی، عبدالله، (۱۳۹۰)، **مبانی فقهی آیین دادرسی مدنی و تأثیر آن در رویه قضایی**، جلد دوم، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ اول.
۱۵. صانعی، یوسف، (۱۳۸۴)، **استفتائات قضایی**، جلد یکم، کلیات قضا- جزائیات، تهران: نشر میزان، چاپ اول.
۱۶. طباطبایی، سید علی، (۱۴۱۸ ه. ق)، **ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالدلائل**، جلد دوم، قم: مؤسسه آل بیت، چاپ اول.
۱۷. طرابلسی (قاضی ابن براج)، عبدالعزیز، (۱۴۱۱ ه. ق)، **جواهر الفقه- الجواهر فی الفقه**، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
۱۸. عاملی (شهید ثانی)، زین الدین، (۱۴۱۰ ه. ق)، **الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة**، جلد ۱۰، قم: کتابفروشی داوری، چاپ اول.
۱۹. عاملی، (شهید ثانی)، زین الدین، (۱۴۱۳ ه. ق)، **مسالك الافهام الی تنقیح شرائع الإسلام**، جلد ۱۵، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، چاپ اول.
۲۰. فلچر، جورج، پی، (۱۳۸۴)، **مفاهیم بنیادین حقوق کیفری**، ترجمه سید مهدی سیدزاده‌ثانی، مشهد: موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول.
۲۱. قاسم‌زاده، سیدمرتضی، (۱۳۷۸)، **مبانی مسئولیت مدنی**، تهران: نشر دادگستر، چاپ اول.
۲۲. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۸)، **الزام‌های خارج از قرارداد: ضمان قهری**، جلد اول، مسئولیت مدنی، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم.
۲۳. کلارکسون، سی. ام. وی، (۱۳۷۴)، **تحلیل مبانی حقوق جزا**، ترجمه حسین میرمحمد صادقی، تهران: مرکز انتشارات جهاد دانشگاهی شهید بهشتی، چاپ دوم.
۲۴. **مجموعه نظریات مشورتی فقهی در امور کیفری**، جلد هشتم، (۱۳۸۵)، قم: نشر قضا، چاپ اول.
۲۵. مدنی کاشانی، رضا، (۱۴۰۸ ه. ق)، **کتاب الديات**، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
۲۶. **مذاکرات و آراء هیات عمومی دیوان عالی کشور**، جلد سوم، (۱۳۷۸)، تهران: اداره وحدت رویه و نشر مذاکرات هیات عمومی دیوان عالی کشور، چاپ اول.
۲۷. مراغی حسینی، میرفتاح، (۱۴۱۷ ه. ق)، **العناوین**، جلد دوم، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ اول.
۲۸. مطهری، احمد، (۱۴۰۱ ه. ق)، **مستند تحریر الوسيله (کتاب الديات)**، قم: مطبعة النخام.
۲۹. موسوی خویی، سیدابوالقاسم، (۱۳۸۶)، **مبانی تکملة المنهاج**، جلد ۲، قم: مؤسسه آثار امام خویی.
۳۰. همراه با دایره المعارف فقه اسلامی - اتلاف، ۲، (۱۳۸۶)، قم: فصلنامه تخصصی فقه اهل بیت، شماره ۵۱، سال سیزدهم.
۳۱. نجفی، محمدحسن، **جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام**، ۱۹۸۱م، جلد های ۴۲ و ۴۳، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ هفتم.
۳۲. نجیب حسینی، محمود، (۱۳۸۵)، **رابطه سببیت در حقوق کیفری**، ترجمه سیدعلی عباس‌نای زارع، مشهد: انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، چاپ اول.

ب- خارجی

- اینترنتی